



سوره مبارکه ناس

جلسه دوم: ۹۳/۱۱/۲۵

* قبل از شروع کلاس، صوت می‌فرستیم برای اینکه:

- ✓ مهمان اهل بیت (علیهم‌السلام) بالاخص حضرت صدیقه طاهره (س) باشیم.
- ✓ نزول قرآن و ملائکه و وحی، ما را در فهم دقائق و ظرائفی که در کلام وحی وجود دارد کمک کنند.
- ✓ هرکسی به هر نیت خیری، که در جلسه دارد برسد و حاجتش برآورده شود.

* سوره مبارکه ناس:

- هر موجودی که پا به عرصه وجود می‌گذارد، موجود است. وقتی نقص را از خود ببیند و کمال (خالی بودن از نقص) را از حق، در او «تسبیح» اتفاق می‌افتد. موجود یا مخلوق موجودیت پیدا می‌کند و در هر لحظه‌ای، تحت تابش دائمی «فیض الهی» یا «رحمت» یا «حق» قرار می‌گیرد. وقتی نقص را از خود می‌بیند و حق را خالی از نقص می‌داند، در او تسبیح اتفاق می‌افتد.

- تسبیح: «تسبیح» برائت از حق است. (توجه به کمال)

- حمد: وقتی موجود توجه تمام به حق داشته باشد در او «حمد» اتفاق می‌افتد، حمد وجوه مختلفی دارد. در موقعیتی «ستودن حق» است و در موقعیتی دیگر «نفی کمال از غیر او» و در موقعیتی «میل پیدا کردن به بی‌نهایت حق» است.

✓ حمد ← حمد: ستودن خالصانه

✓ حمد ← تهلیل: نفی کمال از غیر

✓ حمد ← تکبیر: کمال به سمت بی‌نهایت

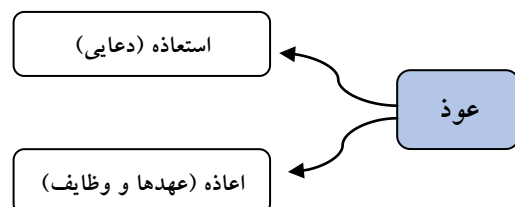
- در دل این ماجرا موضوع «استعاذه» ایجاد می‌شود.

- موجود و هر مخلوقی پا به عرصه وجود می‌گذارد و موجودیتش اعلام می‌شود به قول قرآن «ذکر» می‌شود، اولین اتفاقی که برایش می‌افتد این است که «نزول دائمی فیض الهی» را می‌بیند.

- وقتی موجود با مانع کمال یا ضد کمال مواجه می‌شود و در برابر آن مانع واکنش نشان می‌دهد به آن «استعاذه» گویند.

- مواجهه با مانع ممکن است به (استعاذه به تسبیح، تسبیح، حمد، تهلیل و یا تکبیر) بیانجامد.

- به بی‌تفاوت نبودن در مقابل مانع کمال یا ضد کمال، «عوذ» گفته می‌شود که وقتی تبدیل به دعا می‌شود، «استعاذه» است و وقتی به فرآیند تبدیل می‌شود به آن «اعاذه» گویند. «اعاذه» یعنی کسی یا چیزی را پناه دادن.



- انسان وقتی که به خود حق یا پناهگاه، توجه کند «حمد» کرده است. البته چنین حمدی خیلی سخت است لذا حمد خالص نصیب اولیاء و انبیاء (ع) می‌شود.

- تکبیر: یعنی در پناه قرار دادن. یعنی فرد خود را وصل به بی‌نهایت ببیند. نزول دائمی فیض الهی را می‌بیند. توجه به این نزول دائمی و یا آنچه او را از این نزول دائمی سلب می‌کند، حالت‌های مختلفی را برای او ایجاد می‌کند.

- سیر این‌گونه است که انسان از استعاده به تسبیح می‌رسد که مرحله تسبیح با حمد است و بعد به حمد می‌رسد و در تسبیح تهلیل است که باید به تکبیر ختم شود.

- «تسبیح با حمد» یعنی کمال را دیدن و نقص خود را نیز دیدن.

- در «استعاده»، با خطر، آسیب و اختلال مواجه می‌شویم و از نیاز به یک بی‌نیاز که قدرت، علم، اذن و امان دادن دارد، دعا و رجوع می‌کنیم.

- نکته:

✓ خطر: زمانی که ممکن است پیش بیاید.

✓ آسیب: زمانی که اتفاق افتاده است.

✓ اختلال: زمانی که اتفاق افتاده و تبعاتی دارد.

استعاده طلب «عوذ» است:

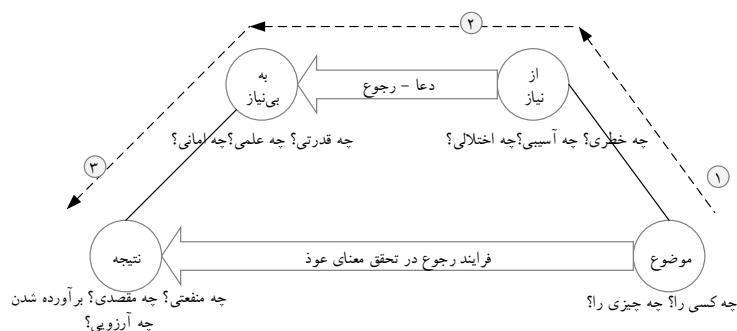
۱. استعاده، وجهی از دعای انسان نیازمند به سوی خالق بی‌نیاز است،

۲. که در اثر مواجهه با تهدیدات بیرونی و درونی یا توجه به این تهدیدات فعال می‌شود. برخی از تهدیدات از جنس «ضرررسانی» و برخی دیگر «اختلال در امور» و برخی دیگر به صورت «آسیب‌های درونی» برای فرد است. خصوصیت اصلی این تهدیدات این است که مسیر رشد فردی و اجتماعی انسان و یا جامعه را مختل می‌کنند.

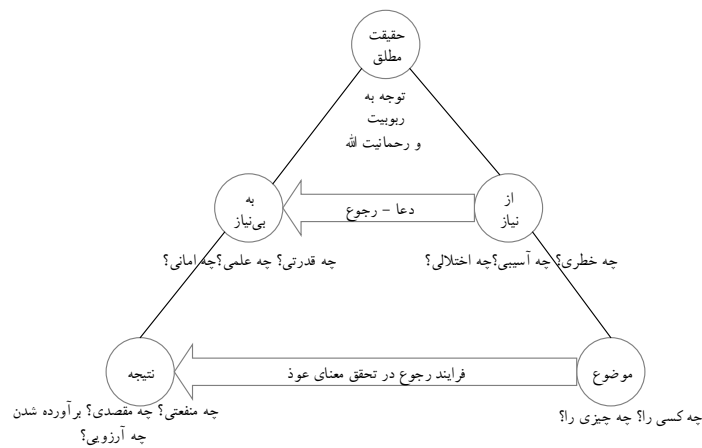
۳. با تحقق استعاده، اثر این تهدیدات خنثی شده و نیل به مقاصد و نیز دستیابی به حقایقی از هستی عاید استعاده کننده می‌شود.

* فرایند عوذ

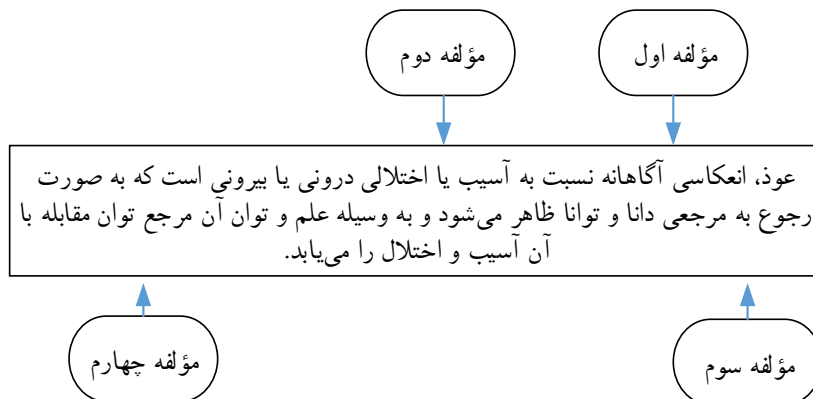
با توجه به مطالبی که درباره عوذ به دست آمد، مشخص می‌شود در تحقق معنای این ریشه فرایندی رجوع‌گونه صورت می‌پذیرد:



- نمودار زیر فرایند کامل شده عوذ را نشان می‌دهد:



تعریف نهایی «عوذ» که با توجه به آیات قرآن استخراج شده است:



توجه: این سه نمودار از کتاب «استعاذه، طلوع اثر عبودیت» از مجموعه کتب مدرسه قرآنی، آورده شده است. در این کتاب تعداد زیادی نمودار در رابطه با موضوع استعاذه آورده شده است.

- استعاذه، به طلب عوذ از «الله» و قرار دادن عوذ در دعا هم از اوست.

- در استعاذه حتماً حضور اسباب وجود دارد. انسان با اتکاء به اذن الهی باید سراغ دیگران برود.

- «استعاذه» پس زمینه زندگی انسان است و همه رفتارها در زندگی به جز اندکی، حالت استعاذه دارد. مثال: خواب یک عملیات

استعاذه ای برای رفع خستگی و کسالت است. در صورتی می توان به آن استعاذه گفت که آگاهی لازم در رجوع به مرجعی دانا و توانا اتفاق افتاده باشد و بگوییم خداست که خستگی و کسالت را برطرف می کند نه خواب.

- «آسیبها» دو نوع هستند یک سری از ناحیه بیرون، یک سری از ناحیه درون.

- خداوند برای آسیب های بیرونی که در قرآن آن را «بلا و فتنه» نام نهاده، درجه و ارتقاء گذاشته و آنها را وسیله ای برای ارتقاء انسان قرار داده است.

- در ازای هر کدام از آسیب هایی که خدا به انسان وارد می کند، چیزی را می گیرد و چیزی را می دهد، اما انسان فقط آنچه که از او گرفته شده است را می بیند.

- «استعاذه» عمومی ترین مورد در زندگی انسان و کمترین آن است که انسان به آن دقت دارد زیرا انعکاس های انسان نسبت به آسیبها و اختلالات نوعاً غریزی و غیر آگاهانه است و برای همین خداوند در قرآن می فرماید: «اولئک کل انعام بل هم اضل»

- اولین کاری که ما باید انجام دهیم آن است که آسیبها و اختلالات را شناسایی کرده و برخوردها را آگاهانه و کمال خواهانه انجام دهیم. یعنی در ابتدا باید ساختار وجودی انسان درست شود.

- نکته: «اثر» برای وجود است. اگر وجود، در موجود القاء شود، تا مادامی که وجود در موجود باشد «ذا اثر» است بنابراین هرکاری که موجود انجام دهد، برای وجود است.

- انسان تا لحظه مرگ فرصت دارد که وجود مطلق را ببیند به همین دلیل به هنگام مرگ «لقاءالله» گفته می‌شود.

برای استعاذه لازم است که:

۱. انسان نسبت به وضعیت مطلوب خود آگاهی داشته باشد.

۲. نسبت به آسیب‌ها و اختلالاتی که ممکن است مانع رسیدن به وضعیت مطلوب باشد و یا در رسیدن به وضعیت مطلوب اختلال ایجاد کند و یا وضعیت مطلوب را به مخاطره اندازد، آگاهی داشته باشد.

۳. در وهله اول نسبت به پیشگیری و جلوگیری از آسیب‌ها و در وهله دوم نسبت به درمان آسیب‌ها، آگاه باشد و عمل کند.

۴. نسبت به منافع دریافت رحمت پس از پناه، علم داشته باشد.

- «استعاذه» یعنی شناخت وضعیت مطلوب مرضی خدا و «آسیب و اختلال»، قرار گرفتن در وضعیت نامطلوب و غیر مرضی خدا یعنی دچار آسیب شدن. لذا مهم می‌شود که انسان بداند، هر لحظه خدا از چه چیزی راضی است.

- «استعاذه»، دعا می‌شود برای:

❖ از آسیب تا «پناه»

❖ از آسیب تا «عصمت»

❖ از آسیب تا «قرار گرفتن در حصن»

❖ از آسیب تا «سلام»

❖ از آسیب تا «حفظ»

- مطلوب و نامطلوب سه وضعیت پیدا می‌کنند:

۱. هر چه جهت‌گیری کلی فرد قوی‌تر باشد، کارهایش هم درست‌تر خواهد بود.

۲. از احکام شریعت تبعیت می‌کند.

۳. خیرشناسی انجام می‌دهد.

- هر چیزی که منجر به برهم خوردن جهت‌گیری، تبعیت و خیرشناسی شود آسیب است و شرّها در این منطقه قرار دارند که بر وسواس خناس قرار می‌گیرد. اولین کاری که وسواس خناس انجام می‌دهد این است که انسان را از وضعیت مطلوب به نامطلوب و از وضعیت مرضی خدا به وضعیت مرضی غیر خدا سوق می‌دهد.

- «استغفار» توجه به منافع نازل شده توسط خداست که برخی اوقات استغفار «استعاذه‌ای» می‌شود زیرا منافع دریافت رحمت پس از پناه را دیده است.

«استغفار»، طلب رحمت و منفعت خدا برای انسان است.

پدرسی دعای «خصله» از امیرالمؤمنین (ع):

(بحارالانوار جلد ۸۴ صفحه ۱۲ - این دعا در صحیفه علویه نیز هست)

- «خصله» به معنای آن چیزی است که انسان را تا رسیدن به مقصد همراهی می‌کند.
- می‌توان این دعا را «معبّر» نامید یعنی دعایی که انسان را از بحران برای رسیدن به مقصد عبور می‌دهد.
- تدبیر در دعای خصله، «تدبیر سوره‌ای» است.
- منظور از «آسیب» آن است که از بیرون به انسان اصابت می‌کند. برخی از آسیب‌ها مربوط به تکوین حیات دنیوی هستند مانند ابتلاءها (مثل بیماری)، مصائب (مثل از دست دادن کسی) و برخی از ناحیه اختلالات خود فرد دچار می‌شود، مثل انواع افسردگی‌ها، اضطراب‌ها.

دسته‌بندی اختلالات بر اساس ساختار وجودی:

- قوای ادراکی
 - قوای علمی و باوری
 - قوای توجهی
 - قوای گرایشی و طلبی
 - قوای رفتاری و برنامه‌ریزی
- بخشی از آسیب‌ها، مربوط به خود اختلالات است. مثلاً فردی که بلد نیست تفکر کند سرش کلاه می‌گذارند. همه اختلالات قطعاً به انسان آسیب می‌زنند و هر آسیبی در اثر اختلالی به وجود آمده است. در مقابل انواع «مواجهه» نیز داریم. بنا بر انواع اختلالات و آسیب‌ها ابزارهای مواجهه متنوع پیدا می‌کنیم. «درمان و پیشگیری» اساس استعاده عملی است.
- امیرالمؤمنین (ع) در دعای خصله فهرستی از انواع مواجهه در مقابل انواع آسیب‌ها ارائه داده‌اند که انشاءالله در این جلسه و چند جلسه آتی این فهرست را مطالعه می‌کنیم.

* قسمتی از دعای خصله:

اللَّهُمَّ أَعْمِ عَنِّي قُلُوبَ أَعْدَائِي وَ كُلِّ مَنْ يَبْغِينِي بِسُوءِ ضَرْبَتِي بَيْنِي وَ بَيْنَ أَعْدَائِي حِجَابَ الْحَمْدِ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ سِتْرَ الْمَذَلِكِ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ وَ كِفَايَةَ الْمَلِكِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ حِفْظَ اللَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَ لَا نَوْمٌ وَ عِزِّ الْمَصِّ وَ سُورَةِ الْمِمْقَاتِ وَ مَنَعِ الْمَرِّ وَ دَفْعِ الرِّيحِ وَ حَيَاةِ كَهَيْعِصِ وَ رِفْعَةِ طَهٍ وَ غُلُوقِ طَسٍ وَ فَلَاحِ يَسٍ وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ وَ غُلُوقِ الْحَوَامِيمِ وَ كَنْفِ حَمِ عَسَقٍ وَ بَرَكَةِ تَبَارُكِ وَ بُرْهَانَ قَلْبِ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ حِرْزِ الْمُعْوَدِّينِ وَ أَمَانِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ حُلَّتْ بِذَلِكَ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَعْدَائِي وَ ضَرْبَتِي بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ سُورَةً مِنْ عِزِّ اللَّهِ وَ حِجَابِ الْقُرْآنِ وَ عَزَائِمِ الْآيَاتِ الْمُحْكَمَاتِ وَ الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى الْبَيِّنَاتِ وَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ شَاهَتِ الْوُجُوهُ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَ انْقَلَبُوا صَاغِرِينَ - بَلْ تَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ - وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ - صُمْ بِكُمْ عَمَى فَهَمٌ لَا يَرْجِعُونَ - فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

* در جدول زیر:

- سطر اول: ابزار یا فرآیند انعکاس یا مواجهه آگاهانه تا مقابله

- سطر دوم: سوره یا جنس
- سطر سوم: وجه سوره
- سطر چهارم: معنای کلمه یا معنای ابزار

دعای خصله

دعای خصله	ابزار
<p>حمد و آیت الکرسی: عبودیت خدا، گوهری است که فرد را از غیر خدا متمایز می‌کند و او را در منع نسبت به آسیب‌های آن قرار می‌دهد.</p>	سوره
توحید ربوبی / توجه به صفات کمالی	وجه سوره
<p>ایجاد مانع برای دریافت جلوه‌های فرد (کنترل جلوه) - دشمن را از طریق منع کنترل می‌کنید - ایجاد منع از تلاقی دو چیز - محدوده ایجاد کردن و جداسازی (تمایز)</p>	معنای کلمه
<p>عبودیت خدا، گوهری است که فرد را از غیر خدا متمایز می‌کند و او را در منع نسبت به آسیب آنها قرار می‌دهد. سبک زندگی انسان از سبک زندگی دشمنش متمایز می‌باشد. متأسفانه سبک زندگی ما به راحتی تغییر می‌کند زیرا حجاب نداریم.</p>	توضیح
<p>بقره: آشکار کردن افکار، باورها، نیت‌ها، گرایش‌ها، طلب‌ها، رفتارها، گفتارها و مخفی کردنش طبق ضابطه است و فرد دارای «ساتر» است.</p>	سوره
تقوا و علم به قرآن	وجه سوره
پوشش به نحوی که شیئی مخفی شود/ کنترل در ظهور و خفا	معنای کلمه
<p>کلاً ستر با تقوا بسیار سخت دارد، زیرا خفای آن حساب و کتاب دارد. سوره بقره مکانیزم‌های «تقوا» را به برکت قرآن به فرد می‌دهد. بنی‌اسرائیل بسیاری از اوقات لباس تقوای خود را درآوردند یعنی آنچه نباید می‌گفتند را گفتند. قوم بنی‌اسرائیل یکی از کارهایی که کرد این بود که ستر عالم را به هم ریخت. در واقع سوره بقره، آسیب شناسی یهود است که «نزع لباس» کردند. در حجاب حائل ایجاد می‌شود اما ستر، چسبیده به خود فرد است که خیلی چیزها را مخفی می‌کند.</p>	توضیح
آل عمران: نیازهای کاذب: کفایت‌ها را تغییر می‌دهد.	سوره
رجوع به محکمت و فرار از متشابهات / استفاده از متشابهات به شکل صحیح	وجه سوره
برطرف شدن حاجت	معنای کلمه
<p>انسان وقتی در جامعه قرار می‌گیرد نیازهای کاذب پیدا می‌کند که درجه کفایتش را تغییر می‌دهد. رجوع به محکمت و گریز نکردن در متشابهات، منجر به رفع نیازهایش می‌شود. سؤال با کفایت ارتباط مستقیم پیدا می‌کند. هر میزان سؤال انسان، بیشتر گردد کفایتش هم بیشتر می‌شود که این مسئله در معنویت خوب است. یکی از کارهایی که شیطان می‌کند، ایجاد نیازهای کاذب در فرد و از بین بردن نیازهای معنوی است. نمونه‌اش کم شدن کتاب‌خوانی در افراد است.</p> <p>سطح کفایتی که به وسیله متشابهات ایجاد می‌شود، متفاوت است با سطح کفایتی که از محکمت ایجاد می‌شود. شأن عبودیت محکم است و بقیه شئون متشابه هستند و هرچه شأن عبودیت کم‌رنگ بشود شئون دیگر پررنگ خواهد شد. رجوع به محکمت وجوه پیدا می‌کند. مثال: محکمت رشد در سنین رشد، که هفت سال اول یک محکمتی دارد و بقیه سنین محکمت دیگری. محکمت هفت سال اول فعال شدن قوای حسی و عملی فرزند به اضافه قوای گفتاری با محوریت</p>	توضیح

طبیات است. والدین باید به این محکم توجه کنند و کار دیگری نکنند. اشتباه است که ما فکر کنیم خدا مقاصدش را از انسان مخفی کرده است و این کار ابلیس است.		
آیت الکرسی	سوره	حفظ
حی و قیوم	وجه سوره	
جلوگیری از آسیب / سلام / سلامت	معنای کلمه	
هر شأنی (موقعیت، مرتبه) انسان و هر نتیجه‌ای که حاصل می‌کند باید حفظ شود مثلاً قدرت تفکر پدید می‌آید باید حفظ شود. اگر علمی که داریم را فراموش کنیم معلوم است که این علم حفظ نشده است. «حفظ»، واژه عامی است برای بهره‌مندی از حیات و فیض دائمی در مراتب وجودی. حفظ در جاهایی به کار می‌رود: خطرات، گناهان، وسوسه‌ها، آسیب‌های اجتماعی، هوای آلوده، غذای نامناسب. «حفظ» در معرض هلاکت نبودن است. آیت الکرسی یکی از آن مواردی است که آدم را حفظ می‌کند. حفظ، «سِتْر‌آور» است. نتیجه ستر هم حفظ می‌شود.	توضیح	

ادامهٔ واژگان جلسات آینده.

نکته مهم: اعمال در حوزه انسان، مانند فرزندان هستند که قواعد فرزندداری بر اعمال نیز وارد می‌شود. این نشان می‌دهد هر عملی که انجام می‌دهیم از ما جدا می‌شود و اگر اهلیت‌مان را حفظ کنیم، این اعمال به ما می‌چسبند.

نتیجه: استعاده یک فرآیند است که برای تحقق، به مکانیزم و ابزارهای مختلفی نیاز دارد. همان‌طور که باید آسیب‌ها را شناخت، باید ابزارها و فرآیندها نیز شناخته شود تا بدانید هر کدام را کجا استفاده کنید، چون استعاده برای کسی است که می‌خواهد مقابله کند.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و الحمد لله رب العالمین